

ادامه از صفحه ۲

ناگفته‌هایی از اشغال اول سفارت آمریکا

یزدی اصرار داشت که باید آقاسی ریچارذ کاتم که قبلا هم مأمور سسی‌آی‌ای بوده و در آن زمان استاد دانشگاه پیتزبورگ پنسیلوانیا بوده است باید سفیر آمریکا در ایران شود که روابط خیلی خوبی هم با جبهه ملی و نهضت آزادی داشت، به‌همین دلیل یزدی اصرار داشت که او سفیر شود، چون آمریکا کاتم را قبول نمی‌کند، دولت بازرگان نیز کاتلر را به علت داشتن سوابق استعماری در کنگو رد می‌کنند، درصورتی‌که این بهانه بود و این مسئله باعث شد سفیر بعد از سالیان به ایران نیاید.»

تقرشی دراین‌باره ادامه داد: «به خاطر تبعاتی که این ماجرا داشت، به نظر می‌رسد عده‌ای از این ماجرا برای کمیته‌ای که بعدا در آنجا ایجاد شد، سوءاستفاده کردند و آن باندی که بعدا به نام ماشاءالله قصاب در سفارت مستقر بود، با استفاده از عناصری در وزارت خارجه و سفارت آمریکا به کارچاق‌کنی و صدور ویزا مشغول بوده‌اند که بعید است وزارت خارجه و سفارت از اعمال آنها بی‌خبر بوده باشند؛ ولی ما فقط یک نفر از اعضای این کمیته را می‌شناسیم و آن هم ماشاءالله قصاب است، ولی به نظر می‌رسد که ابعاد این ماجرا و اقدامات آنها زیاد شناخته‌شده نیست، البته بعدها گزارش‌هایی درباره عدم رضایت سفارت آمریکا و دوایر رسمی ایران از عملکرد و سوءاستفاده‌های باند کمیته سفارت آمریکا انتشار یافت. درباره ماشاءالله قصاب هم روایت‌های مختلفی وجود دارد از اینکه کمیته‌ای یا از اعضای گروه‌های ضربت برخی احزاب سیاسی یا از لات‌های سایه‌دار قبل از انقلاب بوده است؛ اما با وجود گذشت زمان هنوز از زندگی او اطلاعات کمی موجود است، اینکه چرا حمله به سفارت منتسب به چریک‌های فدایی شد نیز به این علت است که در آن دوره تندترین گروهی که مواضع آشکار و رادیکال ضد آمریکایی داشت، چریک‌های فدایی بودند. مجاهدین خلق هنوز زاویه جدی با نظام تازه‌تاسیس و در حال شکل‌گیری نشان نمی‌دادند. حزب توده هم اصلا نیروی جوان چریکی خاصی نداشت که چنین کاری کند. گروه‌های دیگر نیز چنین شهرت و قدرت و نفوذی نداشتند. فقط چریک‌های فدایی بودند که از نظر فکری و اجرایی می‌شد آنها را منتسب به این سناریو کرد البته من این احتمال را رد نمی‌کنم که در میان حمله‌کنندگان ممکن است افرادی از هواداران سازمان فداییان خلق وجود داشته بودند اما احتمالا رهبری سازمان فدایی از این ماجرا اطلاع نداشتند.»

او در پایان در مقایسه اشغال اول و دوم سفارت آمریکا تشریح کرد: «نکته دیگری که دراین‌باره هست، بسیاری از کسانی که ماجرای اشغال دوم سفارت را توجیه می‌کنند، حرفشان این است که این‌کار قبلا هم اتفاق افتاده و مسئله عادی است، درصورتی‌که جنس این دو ماجرا با هم به کلی متفاوت است. اشغال اول سفارت کاملا کار مشکوکی بود و بسیار کوتاه بود که هم آمریکا و هم دولت ایران و رهبر انقلاب این حرکت را محکوم کردند و با یک درایت متقابل ما اجرا حل شد اما دفعه دوم پس از اشغال به نظر من بیش از اینکه حالت تهاجمی داشته باشد، حالت انفعالی داشت؛ یعنی در شرایطی که شوروی انقلاب، دولت بازرگان، حزب جمهوری اسلامی به‌شدت زیر ضربه تبلیغاتی گروه‌های چپ بودند مبنی بر اینکه شماها سازشکار هستید و یک سابقه آمریکا‌ستیزی در ایران به وجود آمده بود، در این شرایط یک عده دانشجوی تندرو مسلمان به سفارت حمله کردند تا به رقبای سیاسی انقلاب بگویند که ما از شما آمریکا‌ستیزتر هستیم. این اشغال قاعدتا باید مثل تمام جریانات اشغالی پس از چند روز بیرون می‌آمدند و ماجرا تمام می‌شد، تا اینجا به نظر من این اتفاق مشکل خیلی جدی به وجود نمی‌آورد؛ اما از اینجا به بعد وقتی مشکل ایجاد می‌شود که حکومت ایران و جناح‌های سیاسی شروع به تأیید این ماجرا می‌کنند و بدتر از آن دانشجویان تقریبا از این کار سلب مسئولیت می‌شوند و گروهان‌گیری رسمی و حکومتی می‌شود. در آغاز گروهان‌گیری دوم، تقریبا همه گروه‌های سیاسی از آن حمایت کردند، ولی به‌تدریج با کش‌دارشدن آن، اغلب گروه‌ها به آن انتقاد کرده و تلویحا یا صریحا خواستار پایان یافتن آن شدند. ادامه‌دارشدن این اتفاق منجر به اجماعی علیه ایران در جهان شد و بدتر از همه بحث جنگ ایران و عراق که به نظر من تشدید و تسریع آن مرتبط با بحث گروهان‌گیری بود. اگر گروهان‌گیری نشده بود احتمالا آمریکایی‌ها چشم به حمله و تعرض عراق به ایران نمی‌بستند و از آن حمایت ضمنی نمی‌کردند. باید توجه کرد که حمله دوم به سفارت منجر به یک فوتبال سیاسی داخلی برای حذف رقیب شد؛ بنابراین کل ماجرای اشغال دوم به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با اشغال اول نیست و تبعاتشان نیز با هم قابل مقایسه نیست و خسارت‌های اشغال دوم هنوز برای ایران ادامه دارد.»

ممنوع‌التصویر، ممنوع‌الکار و حتی مهاجرت‌ها، این اتفاقی است که در سال‌های گذشته برای برخی چهره‌های صداوسیما رخ داده است، اما به نظر می‌رسد که اخیرا روند آن صعودی شده است!

درست یک روز بعد از لایو اینستاگرامی رزتا قبادی، مجری شبکه دو که بابت خارج‌شدن کلمه «رقص» از زبان میهمان برنامه، ممنوع‌التصویر یا ممنوع‌الکار شده بود، متن گفت‌وگوی محمدرضا حیاتی، اخبارگوی سابق صداوسیما، با داریوش فریضایی با همان عمویپرنگ هم منتشر شد که از صداوسیما بابت محترمانه‌نبودن فرایند کنارگذاشتنش گلایه کرده بود. خانم قبادی در همان لایو اینستاگرامی گفته بود که برای صداوسیما مخاطب مهم نیست و تنها چیزی که برایشان مهم است، خودشان هستند. او بعد از اعلام خبر حضورش در لایو اینستاگرام از سوی مدیران صداوسیما و شبکه دو دعوت شده بود که مجددا به کار بازگردد و حتی قول تهیه بلیت هم به او داده بودند، اما نپذیرفته بود و در همان برنامه لایو گفت از عادل فردوسی‌پور که بزرگ‌تر و محبوب‌تر نیستم، با او چه کردند و چه تضمینی هست که دوباره با من همین کار را نکنند، من دیگر نمی‌خواهم به صداوسیما بازگردم. حیاتی که به علت نام‌بردن از یک خواننده پیش از انقلاب، عذرش بعد از نزدیک به ۴۰ سال از صداوسیما خواسته شد، به عمویپرنگ گفته است: «در رسانه خیلی‌ها زحمت می‌کشند، مردم ما را جلوی صحنه می‌بینند، اما نیروی‌های زیادی زحمت می‌کشند و هیچ‌کس نمی‌بیند، بازنشسته می‌شوند و هیچ‌کس آنها را نمی‌شناسد. اینها شاید از چهره‌های هنری هم تأثیرگذارتر باشند؛ من توقع نداشتم وقتی بازنشسته شدم با من به طرز ویژه‌ای برخورد شود اما طبیعا کسی که علاقه‌مند به رسانه است اگر زمانی هم قرار است کنار رود باید مقداری محترمانه‌تر بود.»

رزتا قبادی هم اخیرا اجرایی گروه عصر خواننده شبکه دو را بر عهده داشت، تا اینکه در ویژه‌برنامه شب یلدا میهمان برنامه‌اش از مردم و بینندگان برنامه خواست در شب یلدا رقصیدن را در برنامه شب‌نشینین‌شان بگذارند تا در زمانه کرونا گرفتار افسردگی نشوند». بابت همین کلمه او روز بعد مجبور شد از مردم سه بار عذرخواهی کند که حالا آن‌طورکه خودش گفته این اصرار از سوی مدیر شبکه بوده است. خودش گفته که «از استرس آن برنامه جنجالی حتی مشوک قلبی پیدا کردم. طی این مدت خیلی ناراحت بودم. شب‌ها

سیاست

گلیه حیاتی و قبادی از رسانه ملی

همه ممنوع‌التصویرهای سیما



تا صبح گریه می‌کردم و حال مناسبی نداشتم. الان هم حال خوبی ندارم اما مقاومم». او گفته است: «از وقتی عادل فردوسی‌پور و برنامه یرمخاطب نود کنار گذاشته شد متوجه شدم تلویزیون برای مخاطبانش ارزش چندانی قائل نیست». مجری سابق برنامه عصر خانواده در پایان حرف‌هایش گفت: «مردم عزیز من از همین‌جا دست شما را می‌بوسم و به خاطر آنکه آن شب به خاطر کلمه رقص از شما معذرت‌خواهی کردم از شما معذرت‌خواهی می‌کنم. من بابت آن معذرت‌خواهی شرمند هستم. الان هم بابت آن عذرخواهی اجباری از شما معذرت‌خواهی می‌کنم.»

حسین باکدل

حسین باکدل مجری پخش شناخته‌شده‌ای بود که اوایل دهه ۷۰ از منتفی‌شدن حضور مجری پخش، چهره او هم کمتر در تلویزیون دیده شد، اما وقتی دهه ۸۰ از نیمه گذشت، دیگر تصویر او در قاب جای نگرفت. به نظر می‌رسد شرایط سیاسی و برخی اعلام موضع‌های او بود که اجازه نداد همکاری‌اش با تلویزیون ادامه داشته باشد، هرچند تا زمان بازنشستگی به‌عنوان کارمند صداوسیما شناخته می‌شد. حتی چند سال قبل مسئولان برگزاری سی‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر تصمیم گرفتند باکدل را به عنوان مجری مراسم پشت تریون بفرستند که با واکنش سرد مسئولان صداوسیما مواجه شدند.

جواد یحیوی

جواد یحیوی گرچه هرگز خبری رسمی و صریح درباره ممنوعیت کاری‌اش منتشر نشد، اما بسیاری دلیلش را فعالیت‌های سیاسی او در دوران انتخابات ۸۸ در کمیته‌یکی از نامزدها می‌دانند، اما از سویی در آن زمان بیش از یک سال بود که یحیوی هیچ برنامه‌ای در سیما نداشت. عده‌ای دیگر هم حضور یکی از چهره‌های سیاسی روی آنتن زنده برنامه او را دلیل ممنوعیت تصویری‌اش می‌دانند و گویا حضور آن چهره چندان به مذاق مدیران سیما خوش نیامده بود. ممنوعیت تصویری او البته تدریجی بود. یحیوی از میرحسین موسوی حمایت کرد و مجری بعضی از مراسم‌های

این نامزد انتخاباتی بود و هراز‌چندگاهی سخنانی علیه دولت نهم و محمود احمدی‌نژاد می‌گفت؛ از جمله آنکه اظهار کرد: «مردم ایران هوشیارتر از آن هستند که از یک سوراخ دو بار گزیده شوند» یا «آقای موسوی در صورت پیروزی تلاش دارند تا اگر نفت را بر سر سفره سردم نمی‌برند، لاقال نسان را ببرند». او اکنون در کار بازیگری و تئاتر مشغول است.

محمود شهریار

مشهورترین مجری ممنوع‌التصویر تلویزیون محمود شهریار است. درمورد ممنوع‌التصویری شهریاری روایت‌های مختلفی هست؛ از لورفتن فیلم انجام حرکات موزونش در یک مجلس عروسی تا آوردن اسم خوانندگان لس‌آنجلسی در برنامه زنده، البته این مجری پرانرژی دفعات زیادی ممنوع‌التصویر شده و هر بار هم دلیل خاص خودش را داشت. شهریار سال ۹۴ در مصاحبه با رشیدیپور در برنامه «دید در شب» اعلام کرد که درحال‌حاضر هم ممنوع‌التصویر است. آن هم به دلیلی که هیچ‌کس نمی‌داند، حتی خود او در طول این سال‌ها تعداد دفعاتی که او ممنوع‌التصویر و به قول خودش آزادالتصویر شده است، به قدری زیاد بوده که کسی آمار دقیقش را ندارد.

فرزاد حسنی

فرزاد حسنی هم بعد از گفت‌وگو با سردار رادان در برنامه کوله‌پشتی و سؤالات بی‌برده‌ای که از رئیس پلیس وقت تهران پرسید، این سؤالات به مذاق خیلی از مسئولان خوش نیامد و همین موجب شد که در همین برنامه عذر او را بخواهند. در بخشی از این مصاحبه، مجری برنامه از رئیس پلیس تهران پرسید که آیا فیلمی را دیده است که در آن نشان داده می‌شود مأموران نیروی انتظامی با کتک و لگد دختری را به داخل ماشین پلیس پرت می‌کنند؟ پاسخ احمدرضا رادان به این پرسش منفی بود. حسنی که قرار بود طی دو شب میزبان سردار رادان باشد، پس از اجرای برنامه دوم از کار کنار گذاشته شد و جایش را به امیرحسین مدرس داد. بعد از آن هیچ‌گاه فرصت عرض اندام به او داده نشد. مگر یکی، دو سال

بعد در ویژه‌برنامه تحویل سال با همراهی آزاده نامداری، همسر سابقش. سال ۹۵ او دوباره با برنامه اکسیر به آنتن بازگشت که با شروع فعالیت مرضی میرباقری در معاونت سیما، این برنامه متوقف شد. رضا رشیدیپور با سلسله برنامه‌های «شیشه‌ای»، «عبور شیشه‌ای»، «شب شیشه‌ای» و «مثلث شیشه‌ای» خود توانسته بود پای همه سوپرستارها را به تلویزیون باز کند و با آنها گفت‌وگوهای جالبی درست و درمان انجام دهد.

او در اوایل برنامه آخرش از آنتن پایین کشیده شد و با برنامه‌ای نیمه‌کاره، پرونده‌اش در تلویزیون بسته شد. او بعد از بازگشت دوباره به صداوسیما مجموعه آیتمی-نمایشی «عنیک آفتابی» و حالا خورشید را روی آنتن برد.

عادل فردوسی‌پور

عادل فردوسی‌پور دیگر مجری توانمند تلویزیون بود که پس از ۲۰ سال اجرای برنامه نود در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۹۷ و پس از بالاگرفتن شعله‌های اختلاف میان او و علی فرغی، مدیر جوان و تازه‌کار شبکه سه، از تلویزیون کنار گذاشته شد، اما مدیر روابط عمومی شبکه سوم سیما دلیل حذف عادل فردوسی‌پور را این‌چنین برشمرد: با عنایت به رفتار غیرحرفه‌ای تهیه‌کننده و مجری برنامه نود، عادل فردوسی‌پور، در عدم پیش این برنامه بعد از بازی انگلیس- اسپانیا در دوشنبه گذشته و همچنین استمرار رفتار خارج از عرف ایشان در مصاحبه خلاف ابلاغ گروه ورزش، برنامه مذکور پخش نخواهد شد. عادل فردوسی‌پور سابقه اجرا و تهیه‌کنندگی برنامه‌های شاخص تلویزیونی نظیر: «فوتبال ۱۲۰»، «۹۰»، «لذت فوتبال»، «بیست‌چهارده»، «بیست‌هجده» و … را در کارنامه خود دارد.

جهانگیر کوثری

جهانگیر کوثری، همسر رخشان بنی‌اعتماد و پدر باران کوثری هم که پیش از این سال‌ها اجرای برنامه «ورزش از نگاه دو» را بر عهده داشت، در مورد غیبت خودش در تلویزیون گفته است: «من سال‌ها در تلویزیون فعالیت کردم و مجری برنامه «ورزش از نگاه دو» بودم، در سال ۹۰ از تلویزیون بیرون آمدم اما واقعیت این است که من را از تلویزیون اخراج کردند. همان‌طور که باران و خانم بنی‌اعتماد را هم ممنوع‌التصویر کرده‌اند. هیچ دلیل و توضیحی به من داده نشده است، به همان علتی که باران و خانم بنی‌اعتماد را در تلویزیون نشان نمی‌دهند و تیزهای فیلم‌هایشان را پخش نمی‌کنند، من هم از سال ۸۸ دچار مشکل و در نهایت اخراج شدم و الان هم من را به تلویزیون راه نمی‌دهند.»

خبر

دادستان اصفهان خبر داد

صدور دستور شناسایی

توهین‌کنندگان به روحانی

● شرق: بعد از اتفاقات پیش‌آمده در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن در اصفهان و شعار «سرک بر روحانی» توسط عده‌ای موتورسوار، روز گذشته دادستان اصفهان از صدور دستور به مراجع امنیتی جهت شناسایی مرتکبان و محرکین شعارهای هنجارشکنانه و توهین به رئیس‌جمهور خبر داد.

به گزارش ایسنا، علی اصفهانی مسئول روابط عمومی دادگستری اصفهان گفته: «دستگاه قضائی صرف‌نظر از مسائل جناحی پاسداری از قانون و حرمت و صیانت از شخصیت حقوقی و حقیقی افراد را مقدم بر هر نظری دانسته و با قانون‌شکنان برخورد قاطعانه خواهد کرد.» اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور نیز بعد از این ماجرا و توهین به حسن روحانی، نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه نوشته و خواسته بود با این عده معدود برخورد شود.

هیئت دولت نیز جمعه‌شب درباره این موضوع بیانیه‌ای صادر و عنوان کرد: «دولت در این دوران سخت‌شرایط بسیار دشواری داشته چراکه با تعهد به منافع ملی، فرصت روایت تحریم را از خود دریغ کرده و ناچار در غوغای کارگزاران تحریم و هیاهوی کاسبان سیاسی و اقتصادی‌اش، سکوت کرده است اما همه می‌دانند که هر صبری، پایانی دارد.

دولت انتخاب کرد که خود در ایام جنگ اقتصادی، صبورانه سکوت کند اما اجازه نمی‌دهد که «حقیقت» قربانی شود». در ادامه این بیانیه آمده است: «هیئت دولت نسبت به ایجاد چندپارگی و نفرت‌پراکنی در زمانی که کشور نیازمند انسجام برای تأمین منافع ملت ایران است، قاطعانه هشدار می‌دهد و اعلام می‌دارد که تقدم منافع جناحی بسر منافع ملی در بزنگاه کنونی، دستاوردهای صبر راهبردی ایران را در خطر قرار می‌دهد. هیئت دولت، رویداد نفرت‌برانگیز هتاکي به رئیس‌جمهور را نقض مکرر توصیه‌های مقام معظم رهبری و سرپیچی از قانون و حرکتی به نفع بیگانه می‌داند و بیکری اتفاقات اخیر را تلاشی برای اعاده حق، نه فقط برای دولت بلکه برای نظام و ملت تلقی می‌کند.»

#ما ماندیم



پارس همیشه با شما می ماند

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۱۶-۰۵۱۱۵-۴۴۹ تماس حاصل فرمایید و یا به سایت و اینستاگرام پارس الکترونیک مراجعه کنید

www.parselectric.ir @parselectric.ir

PARS

کارخانجات پارس الکتریک